

## بررسی تحلیلی قرآن شماره ۷۷ موزه آستان قدس رضوی و تطبیق آن با قرآن‌های دوره سلجوقی

ابوالقاسم ساقی<sup>۱</sup>، طاهره عظیم‌زاده<sup>۲</sup>، علی اصغر یساقی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۷/۱۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۱۲/۱۶)

### چکیده

سیر تحول هنر قرآن‌آرایی و ترجمه تا دوره سلجوقیان، روند طبیعی خود را طی کرد. این روند در عصر سلجوقیان از نظر کمی و کیفی شتاب مضاعفی یافت، به طوری که هم اکنون فقط در گنجینه مصاحف آستان قدس رضوی تعداد ۱۰۸۴ نسخه خطی نفیس قرآن منتسب به عصر سلجوقی موجود است که قرآن شماره ۷۷ یکی از آن‌ها است. مسئله این مقاله این است که ویژگی‌های قرآن‌آرایی و ترجمه در عصر سلجوقیان چه بود و قرآن شماره ۷۷ موزه آستان قدس با کدامیک از این ویژگی‌ها هم‌خوانی دارد. دلایل اینکه این قرآن متعلق به دوره سلجوقیان است چیست؟ نتایج به دست آمده مشخص کرد که نوع کاغذ و جلد، وجود نقطه و اعراب در خط، خط متن کوفی دوره تکامل، خط نسخ ترجمه، ترجمه تفسیری در زیر آیات، وجود شمس‌های حاشیه اثر و شیوه ضبط حروف و واژگان در ترجمه، از جمله دلایل تعلق این قرآن به عصر سلجوقی است و محل کتابت آن با توجه به ویژگی‌های دستوری و لهجه‌ای، مربوط به خراسان (ماوراءالنهر) است.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه، سلجوقیان، قرآن ۷۷، کتابت.

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده)

Email: abolghasemsaghi@yahoo.com

(مسئول)؛

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد؛

Email: ta\_azim@yahoo.com:

۳. استادیار گروه علوم قرآن حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد؛  
Email: ali.yasaghi@yahoo.com

## ۱. مقدمه

توجه بسیار مسلمانان به قرآن، به ویژه در عصر سلجوقی، باعث پیشرفت کمی و کیفی کتاب‌آرایی قرآنی در ایران شد. یکی از قرآن‌هایی که از این جهت درخور توجه است، قرآن موسوم به قرآن شماره ۷۷ آستان قدس رضوی است. اینکه این مصحف شریف در کدام منطقه جغرافیایی ایران کتابت و ترجمه شده و چرا این نسخه ارزشمند هنری مربوط به عصر سلجوقی است، موضوع بحث این مقاله است.

سلجوقیان با فتح خراسان در سال ۴۳۰ ق، حکومت خود را آغاز و تا سال ۵۹۰ ق در ایران حکومت کردند. آنان از زندگی صحرائشینی روی گرداندند و به اداره مملکت، شبیه ایران باستان پرداختند و همواره کوشیدند از راهنمایی وزرای باتدبیر ایرانی استفاده کنند که از آن جمله نظام‌الملک، وزیر باتدبیر ملکشاه بود. آنان در سال ۴۲۹ ق نیشابور را تسخیر کردند و سرکرده آنان، طغرل بیک (۴۳۱-۴۵۵)، حکومت خراسان را به برادرش، چغری بیگ (۴۳۱-۴۵۲) سپرد و خود به عنوان جانشینی از داعیه اهل سنت و آزاد کردن خلفای عباسی از قیمومت آل بویه، سیاستی در پیش گرفت که پشتیبانی اهل سنت را به همراه داشت. وی در سال ۴۴۷ ق وارد بغداد شد و خلیفه عباسی، سلطانی او را تایید کرد. در زمان حکومت آل ب ارسلان (۴۵۵-۴۶۵) و پسرش ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵) - که هر دو تاحد زیادی متکی به خواجه نظام الملک، وزیر ایرانی قدرتمند و توانای خویش، بودند - دولت سلجوقیان بزرگ به اوج قدرت خود رسید. پس از مرگ ملکشاه، حکومت سلجوقیان عراق و ایران بر اثر اختلاف‌های داخلی متزلزل شد اما سلطان سنجر (۴۹۰-۵۵۲)، پسر ملکشاه، ابتدا به عنوان حکمران و سپس سلطان، مدت شصت سال زمام امور را در خراسان بزرگ در دست داشت.

اکثر سلجوقیان در سکه‌های خود آیات قرآن را لحاظ نموده و قرآن، محور و پشتوانه اقدامات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی آنان بود. در این دوره کتابت قرآن نیز اهمیت زیادی یافت به طوری که هم اکنون فقط در گنجینه مصاحف آستان قدس رضوی مشهد، تعداد ۱۰۸۴ نسخه نفیس از قرآن مربوط به قرن پنجم و ششم هجری وجود دارد که بیشتر آن‌ها با ترجمه است [۲۸، ص ۹۵].

کتاب‌آرایی و به عبارتی قرآن‌آرایی، شامل هنرهای متفاوتی چون نگارش، خط، خوشنویسی، طراحی، تزئینات، رنگ، صفحه‌آرایی و تصویرگری توأم با ساخت و جنس و نوع کاغذ و روش‌های مربوط به جلدسازی است. [۱۳، ص ۱۴]. در عصر سلجوقی در کنار

ترجمه، هنرهای مختلف کتاب‌آرایی و کتاب‌سازی از جمله صحافی، تجلید و وراقی، رشد قابل ملاحظه‌ای یافت.

قرآن شماره ۷۷، فاقد تاریخ کتابت است و به این جهت دقیقاً مشخص نیست متعلق به چه دورانی است اما این حدس وجود دارد که مربوط به قرن پنجم و عصر سلجوقی باشد [۹، ص چهل مقدمه]. جهت روشن شدن موضوع لازم است ویژگی‌های قرآن‌آرایی عصر سلجوقی تبیین و سپس ویژگی‌های ظاهری قرآن مذکور با آن تطبیق داده شود. در مرحله بعد ویژگی‌های ترجمه‌ای این اثر با خصوصیات ترجمه عصر سلجوقی مقایسه و مورد تحلیل قرار گیرد. روش تحقیق در این مقاله، تاریخی - تطبیقی و بر اساس توصیف و تحلیل اثر در کتابخانه آستان قدس و مصاحبه با کارشناسان نسخه‌شناسی موزه آستان قدس رضوی است.

## ۲. پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقاله‌های نسبتاً زیادی در ارتباط با کتابت و قرآن‌آرایی عصر سلجوقی وجود دارد. البته بیشتر آنان بحث کتاب‌آرایی دوره اسلامی را به طور عام مورد بررسی قرار داده یا هر کدام از پژوهش‌های مذکور، ویژگی‌های قرآن‌آرایی قرآن خاصی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. به عنوان نمونه کتاب‌هایی چون *کتاب‌آرایی* تألیف نجیب مایل هروی، *کتاب‌آرایی* تألیف زهرا رهنورد، *اصول و مبانی نسخه‌شناسی کتب خطی*، اثر حبیب‌الله عظیمی به کلیات پرداخته‌اند. همچنین فصلنامه گنج‌نامه رضوی، پاییز ۱۳۹۰، به مباحث مربوط به قرآن‌آرایی و هنرهای عصر سلجوقی پرداخته اما ویژگی‌های کتاب‌آرایی قرآن شماره ۷۷ تا کنون مورد پژوهش قرار نگرفته است.

## ۳. ویژگی‌های ظاهری و ساختاری

در عصر سلجوقی هنرهای مختلف کتاب‌آرایی، و کتاب‌سازی از جمله صحافی، تجلید، وراقی و...، رشد قابل ملاحظه‌ای یافت، به گونه‌ای که جلوه‌های هنری آن در بیشتر مواد و مصالح مورد استفاده و نیز طرح‌ها و نقش‌های گوناگون در این زمان مشهود است. این هنرها به طور غیرمستقیم در افزایش ترجمه‌های قرآنی نیز مؤثر بوده است.

### ۳.۱. جلد قرآن شماره ۷۷



هنر جلدسازی در ایران، از سده چهارم تا هفتم هجری با توسعه مقواگری رشد نمود. این ماده را با به هم چسباندن کاغذهای باطله، بریده نسخه‌های خطی، دست‌نوشته‌های دور ریختنی و غیره به وسیله چسب‌های گیاهی یا حیوانی در ضخامت‌های مختلف می‌ساختند که به مقوای کاغذچسبانی یا لایه‌چسبانی یا «مقوه» معروف شد. در این زمان مقوا در دفتین یا لت‌ها و عطف جلد به همراه روکش چرم که به شیوه ضربی یا فشاری تزئین می‌شد به کار می‌رفت و روی جلدها معمولاً ضربی می‌شد. شیوه ضربی یا فشاری معمولاً با استفاده از قلم فلزی که نوک آن دارای طرح‌های مذکور بود انجام می‌پذیرفت. قلم بر روی قسمت دلخواه از جلد قرار می‌گرفت و با کوبیدن بر روی آن، نقش مورد نظر روی جلد ایجاد می‌شد. [۳۹، ص ۲۰] (تصویر شماره ۲ و ۳).



دوره سلجوقی کتاب‌ها را در جلدهایی باروکش چرمی از چرم پخته، رنگ شده و میشن چرم نرم گوسفند و تیماج چرم نرم و نازک بز، به صورت ساده تجلید می‌کردند. تیماج را از پوست بز دباغی شده می‌ساختند زیرا گله‌های بز درسرمین‌های اسلامی زیاد بود و گاهی اوقات تیماج را با مقوا محکم می‌کردند. تصویر زیر، جلد چرمی و شیرازه قرآن شماره ۷۷ را نشان می‌دهد که خط آن کوفی و شماره ثبت روی آن ذکر شده است (تصویر شماره ۱).



نقش‌ها و طرح‌های جلد دوره سلجوقی عبارت بود از: نقش‌های هندسی، حاشیه دندان‌تسبیحی یا ریسمانی، کتیبه یا کتابه جلد، گل و بوته و ترنج [۱۱، ص ۴۹]. تزئینات گل و بوته‌ای درهم‌تابیده با ترکیب و تقارن هندسی، همه از اجزای عهد هنرهای تزئینی دوره ساسانیان [۱۶، ص ۲۰] که در هنر اسلامی نیز نفوذ داشته است. ترنج نیز طرحی قدیمی است که در عرف نسخه‌آرایان، طرحی مذهب و گاهی مرصع و معمولاً لوزی یا بادامی‌شکل است که از چهار لچکی به صورت قرینه و گاه یک نیم ترنج تشکیل شده و از طرف دیگر برگردان می‌شود. ترنج غالباً در وسط زمینه قرار می‌گرفت و داخل آن با گل و برگ و طرح‌های اسلیمی یا تصویرهایی از حیوان و انسان پر می‌شد. [۳۴، ص ۳۴] ترنج اغلب در روی جلد و گاهی در پشت ورق اول نسخه، کاربرد داشته است. [همان، ص ۵۹۷] معمولاً در قرن پنجم، جلد قرآن‌ها به صورت مقوایی پوشیده از چرم بود و چرم جلد با نقش‌هایی چون ترنج، لچک و تسمه در حاشیه تزئین می‌شد. [۸، ص ۲۰۰] طرح جلد قرآن شماره ۷۷ نیز به شکل ترنج در روی جلد و با لچک و تسمه در حاشیه است، یعنی جلد دارای ترنج و سرنج با لچکی حاشیه قلمدانی زربوش با متن «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» [واقعه: ۷۹] است و این عبارت قرآنی ده بار، دور تا دور جلد تکرار شده. درون جلد، تیماج قهوه‌ای با تسمه‌اندازی چرمی مشکی است که ایده تعلق آن را به عصر سلجوقی تقویت می‌کند. (تصویر شماره ۴ و ۵)

	
<p>تصویرش ۵- طرح روی جلد دارای ترنج و لچکی و حاشیه قلمدانی و بامتن «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» در دور تا دور جلد که ده بار تکرار شده است.</p>	<p>تصویرش ۴- جلد تیماج قهوه‌ای با تسمه چرمی مشکی.</p>

### ۲.۳. نوع کاغذ قرآن شماره ۷۷

با عنایت به اینکه ماده اولیه هر کتابت و کتاب‌آرایی، کاغذ است توجه به کاغذ قرآن

مذکور دارای اهمیت است. گویا اینکه قدمت کاغذ و کاغذسازی در ایران به قرن دوم هجری بازمی‌گردد اما در واقع تنوع و گسترش کاغذسازی در سرزمین‌ها و شهرهای مرکزی، شرق و غرب جهان اسلام با دوره اقتدار سلجوقیان هم‌زمان بود. انواع کاغذها که در این دوره باعث رشد کتابت مصاحف شد عبارت‌اند از: کاغذ سمرقندی، کاغذ بغدادی، کاغذ شامی، خراسانی و کاغذ خانبالغ [۳۷، ص ۷]. کارشناسان نسخه‌شناسی نوع کاغذ این قرآن را دولت‌آبادی ذکر کرده‌اند. این عنوان به دو شکل قابل توجیه است:

۱- کاغذ آن شامی است که در دوره‌های بعد آن را دولت‌آبادی ذکر کرده‌اند زیرا «کاغذ شامی از نظر الیاف، جنس و دیگر ویژگی‌های کاغذشناسی، در زبان فهرستگان متأخر عموماً دولت‌آبادی خوانده می‌شود در حالیکه در متون متقدم نشانی از کاغذ دولت‌آبادی نیست.» [همانجا]. آنچه فرض مذکور را تقویت می‌کند این است که در این دوره به خاطر قداست قرآن سعی می‌شد جهت کتابت آن از کاغذ نسبتاً مرغوب استفاده شود و کاغذ شامی در این دوره نسبت به کاغذهای مشابه خود بهتر و نسبتاً مرغوب بود و ویژگی‌های منحصر به فرد و کاملی داشت و در حقیقت مرحله تکمیلی کاغذهای چینی و سمرقندی بود. [۳۸، ص ۲۷]

۲- نوع کاغذ این قرآن همانگونه که اکثر کارشناسان نسخه‌شناسی کتابخانه آستان قدس رضوی معتقدند، دولت‌آبادی است زیرا کاغذشناسان، خاستگاه کاغذ دولت‌آبادی را سه منطقه جغرافیایی مختلف دانسته‌اند؛ یکی کاغذخانه دولت‌آباد نزدیک ری که بیشترین نیاز کتابخانه‌هایی نظیر کتابخانه صاحب بن عباد را تأمین می‌کرد، دیگری دولت‌آباد سمرقند، و سومی محلی به نام دولت‌آباد در هند که در عصر عادلشاه (۸۹۵-۹۱۶ق) در آن کاغذ ساخته می‌شد و از نظر میزان مرغوبیت از کاغذ عادلشاهی پست‌تر بود [۳۴، ص ۲۰]. اما فرض سوم چون با عصر سلجوقی تطابق ندارد و از طرفی کاغذ آن نسبتاً نامرغوب است، مردود است. در نتیجه به احتمال زیاد نوع کاغذ این قرآن از نوع دولت‌آبادی منسوب به دولت‌آباد ری یا دولت‌آباد سمرقند است.

### ۳.۳. خط قرآن شماره ۷۷

بعد از اسلام، روند رو به تکامل خط کوفی در تمام سرزمین‌های اسلامی به خصوص در شرق و خراسان ادامه یافت و این خط، به خط کوفی شرقی مشهور شد. خط کوفی شرقی که ابتدا در قرن پنجم هجری توسط ایرانی‌ها ابداع شد، متفاوت با دیگر انواع خط

کوفی و دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود. در این خط شکل عمود کلمات کشیده‌تر و حروف کوتاه خوابیده و به سوی چپ تمایل دارند که این امر حرکت و پویایی خط را تقویت کرده است. [همان، ص ۷۶۹؛ ۲۴، ص ۳۹].

در غرب جهان اسلام یعنی در آسیای صغیر، در زمان حاکمیت سلجوقیان ادبیات، فرهنگ و تمدن ایرانی حاکم بود و به خط فارسی کتابت می‌شد؛ به عبارت دیگر، مکتب ایرانی در آئین خطاطی و نگارش آسیای صغیر نفوذ داشت به طوری که طی ۲۰۰ سال قبل از حاکمیت عثمانیان بر آسیای صغیر، کسی به عنوان خوشنویس ترک و صاحب سبک در این منطقه وجود نداشت. [۲۴، ص ۴۰].

خط کوفی در این دوره، به ویژه در مصاحف، از حالت سادگی و یکنواختی خارج شد و به صورت لطیف و با شاکله رشید، هنری و خوانا، مطابق ذوق و احساس هنر ایرانی چه به لحاظ حسن تشکیل و چه حسن وضع درآمد. ساختار اعراب و نقطه‌ها که در دوره‌های قبل به صورت علامت‌ها و دایره‌های ساده و رنگین بود، واضح‌تر و مشخص‌تر شد و خواندن آیات و اجزای قرآن را ساده‌تر کرد. ضرورت اعراب و نقطه‌گذاری - به ویژه در بین ایرانیان که زبان رسمی آنان عربی نبود - شباهت به خطوطی مثل نسخ را نیز بیشتر کرد. [همانجا] همین ویژگی‌های تکامل یافته خط کوفی از نظر اعراب و نقطه و شباهت به خط نسخ بود که موجب شهرت آن به خط کوفی تکامل یافته شد. در واقع دوره برزخ و گذر خط کوفی به نسخ را دوره تکامل گویند که از قرن چهارم از آن استفاده می‌شد. از طرفی در خط کوفی دوره تکامل، برای نگارش آیات قرآن از مرکب سیاه استفاده می‌شد و حرکت‌ها و نقطه‌های حروف را با رنگ‌های مختلف گیاهی و غیر آن هم چون شنگرف، زعفران، سیلو و زنگار می‌نوشتند. [۲۷، ص ۱۲۱؛ ۲۹، ص ۱۷] شنگرف رنگی است سرخ که از ترکیب سیماب و گوگرد حاصل می‌آید و در کتابت عنوان‌ها و سرفصل‌ها و نشانه‌گذاری بر سربندها و مواضع دیگر، مورد نظر کاتبان و خوشنویسان بود و در جدول‌کشی و نقاشی، جدول‌کشان و مصوران از آن بهره می‌بردند. [۳۴، ص ۶۸۷] در خط دوره تکامل، سر سوره‌ها نیز به قلم زر محرر به خط کوفی است.

قرآن شماره ۷۷ تمام ویژگی‌های خط دوره تکاملی مذکور را دارد. بنابراین این قرآن از نظر خط متن، کوفی دوره تکامل است. علاوه بر این از نظر خط ترجمه، خط ترجمه قرآن مذکور خط نسخ در زیر آیات است و این دلیل دیگری بر تعلق این قرآن به عصر سلجوقی است زیرا خط ترجمه اغلب قرآن‌های عصر سلجوقی خط نسخ است.

تعداد سطرها ۱۸ سطر که ۹ سطر متن و ۹ سطر ترجمه است. این کمیّت خط نیز با اغلب قرآن‌های عصر سلجوقی تطابق دارد. (تصویر شماره ۶)



تصویرش ۶- خط کوفی متن و خط نسخ ترجمه قرآن شماره ۷۷ موزه آستان قدس رضوی.

#### ۴.۳. تذهیب قرآن شماره ۷۷

تذهیب مجموعه‌ای است از نقش‌های بدیع و زیبا که نقاشان و مُذهبان برای هرچه زیباتر کردن کتاب‌های مذهبی و غیره و در جای‌جای کتاب‌ها به کار می‌بردند تا صفحه‌های زرین ادبیات جاودان و متن‌های مذهبی سرزمین خود را زیبایی دیداری نیز ببخشند. بدین ترتیب است که کناره‌ها و اطراف صفحه‌ها، با طرح‌هایی از شاخه‌ها و بندهای اسلیمی، ساقه‌گل‌ها و برگ‌های ختایی، شاخه‌های اسلیمی و گل‌های ختایی و یا بندهای اسلیمی و ختایی و... آذین می‌شوند. [۱۲، ص ۲۱۶] ظهر ورق آغازین مصحف‌های دوره سلجوقی، اغلب دارای لوح زرین پیوسته به نشان، با حاشیه و نقوش گره‌بندی با بافت زنجیری و دایره‌های متقاطع و متداخل به سفیداب است که کثیرالاضلاع‌های مُذهّب، اشکال دایره، شش‌ضلعی، لوزی، مربع، مثلث و... به وجود آورده است که اغلب به لاجورد و طلا، ظریف و پر کار است. [۲۵، ص ۷۹] در آثار مُذهّب، کمتر از رنگ استفاده می‌شد و طلای ناب در عناصر تزئینی کاربرد فراوانی داشت. انواع گل و برگ‌ها و ویژگی‌های عناصر تزئینی ساسانی مثل اسلیمی‌ها و گل‌انار و برگ کنگر و نقش دل و گشنیز و لوزی، در نمونه‌های تذهیب و نگارگری دوره سلجوقی بارز است. شمس‌های چندقابی و ترکیب‌شده برای نشان دادن جزء، عشر، خمس و آیات سجده به کار می‌رفت. انواع این شمس‌ها عبارت بود از شمس‌هشت‌پر، شمس‌سه‌قابی، شمس‌چهارقابی، شمس‌پرتو افشان به شکل گل آفتاب‌گردان و شمس‌شعاعی ساده. همچنین قندیل‌هایی نیز به شکل ترنجی و قندیل سروی- که نشان خمس بوده و بعد از هر پنج آیه و در حاشیه صفحه‌های قرآن نقش بسته و آن رامزین می‌کرد - وجود داشت. [۲۵، ص ۸۱] بیشتر سر سوره‌ها معمولاً از یک مستطیل بین دو مربع مُذهّب مزین به تذهیب با بافت زنجیر مرصع تشکیل شده است که نام سوره در کتیبه مستطیلی به خط رقاع به زر با تزئین نقوش و پیچ و خم اسلیمی و ختایی و پیچ و خم متصل به نشان به



شکل ترنجی و نیم و سر ترنجی است. ویژگی‌های تذهیب قرآن شماره ۷۷ عبارتند از: برخی صفحه‌ها نشانه‌های چندپر ساده دارد و دلیل آن این است که در قرن پنجم معمولاً برای نشان دادن آیات آن را باشماره مشخص نمی‌کردند بلکه بعد از هر پنج یا ده آیه، یک شکل شش‌پر ساده یا شکل‌های دیگر در حاشیه رسم می‌کردند. [همانجا] در قرآن مذکور، این علامت در حاشیه بعضی از صفحه‌ها قابل مشاهده است. اعراب آیات به شنگرف است. سرسوره‌ها با زر و تحریر به خط کوفی و نشانه‌های حواشی شمسه رنگین است که این ویژگی‌ها با ویژگی‌های تذهیب عصر سلجوقی تطابق دارد. (تصویرهای شماره ۱۴-۷)

	
<p>تصویرش ۸- تفکیک آیات با نشانه پنج‌پر زربین</p>	<p>تصویرش ۷- سرسوره سوره محمد (ص) که با نشانه قندیل سروی افقی نمایش داده شده است.</p>
	
<p>تصویر ۱۰- تذهیب جلد با حاشیه گره‌بندی جدول‌ها زر و تحریر و با متن «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ».</p>	<p>تصویرش ۹- تفکیک پنج آیه از آیات سوره یس با شکل سرو عمودی در حاشیه (خمس نشان)</p>
	
<p>تصویرش ۱۲- علامت سجده در سوره فصلت (سجده نشان).</p>	<p>تصویرش ۱۱- تفکیک ده آیه از آیات سوره یس با استفاده از نشانه‌های شانزده‌پر که در درون آن به ترتیب عبارت عشر، عشرون، ثلاثون، اربعون، و الخ وجود دارد (عشر نشان).</p>

	
<p>تصویرش ۱۴- تحریر هنرمندانۀ «تسمیه» توسط واقف.</p>	<p>تصویرش ۱۳- علامت جزء نشان که در ابتدای جزء ۲۵ آمده است (جزء نشان).</p>

### ۳.۵. قطع و اندازه قرآن شماره ۷۷

به مقیاس اندازه جلد (اندازه طول و عرض) هر نوع نشریه قطع گویند. هدف از رواج اندازه‌های مختلف برای کتاب، استفاده آسان‌تر یا مناسب‌تر از کتاب است. اندازه در تاریخ کتاب‌سازی سنتی تغییر و تحول داشته و در تمدن اسلامی نیز بسیار متنوع بوده است. مهم‌ترین اندازه‌ها عبارت‌اند از سلطانی، رحلی، وزیری، بیاضی، خشتی، بغلی، جانمازی، حمایلی، بازوبندی. [۲۷، ص ۱۲۴] قرآن شماره ۷۷ از نظر قطع و اندازه و ابعاد آن ۲۱×۱۴ سانتی‌متر است که تقریباً قطع وزیری خوانده می‌شود. در کتاب فرهنگنامه قرآنی [۹، ص سی و چهار به بعد مقدمه] قطع‌های گوناگونی از جمله وزیری برای مصاحف عصر سلجوقیان بیان شده است.

### ۳.۶. ساختار قرآن شماره ۷۷

مطلب شایان ذکر دیگر که نگارنده در بررسی قرآن‌های گوناگون این دوره با آن مواجه بود، این است که سوره‌ها و آیه‌های اغلب قرآن‌های این دوره نامرتب است. بعضی از آن‌ها به هم ریختگی کلی و برخی به هم ریختگی جزئی دارد. در نتیجه بایستی اقدام عملی در جهت مرتب کردن آن صورت گیرد. خوشبختانه به هم ریختگی در نظم و ترتیب آیات قرآن شماره ۷۷ از نوع دوم و نسبتاً اندک است. ویژگی‌های ساختاری قرآن شماره ۷۷ به شرح ذیل است:

- ۱- تعداد جزء‌های این قرآن عبارت‌اند از پنج جزء شامل جزء‌های ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶.
- ۲- تعداد سوره‌های این قرآن ۱۴ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن است یعنی، از آیه ۲۲ سوره سباء (سوره ۳۴) تا آیه ۳۸ سوره محمد (ص) (سوره ۴۷).
- ۳- ترتیب سوره‌ها و آیه‌ها در یک موضع رعایت نشده است طوری که آیه‌های ۴۷-۵۳ غافر بین آیات ۶۸-۶۹ سوره زمر فاصله انداخته است. احتمالاً علت نامرتب بودن صحیفه مذکور، صحافی آن توسط جلدسازی با سواد قرآنی کم یا خطای انسانی بوده است.

- ۴- در محدوده ذکر شده، آیات ۲۱-۷ سورۀ فاطر، ۷۵-۷۲ سورۀ زمر، ۴-۱ و ۳۵-۳۲ غافر و ۳۷-۳۲ فصلت، مجموعاً ۳۳ آیه ناقص بوده و موجود نیست.
- ۵- تعداد سرسوره‌های این قرآن ۱۲ مورد است زیرا آیات ابتدائی سورۀ سباء و غافر موجود نیست و بالطبع سرسورۀ این سوره‌ها نیز موجود نمی‌باشند. سرسورۀ فاطر در صفحۀ ۱۱، یس در صفحۀ ۲۰، صافات در صفحۀ ۲۹، ص در صفحۀ ۴۰، زمر در صفحۀ ۵۰، فصلت در صفحۀ ۷۵، شوری در صفحۀ ۸۵، زخرف در صفحۀ ۹۵، دخان در صفحۀ ۱۰۶، جاثیه در صفحۀ ۱۱۰، احقاف در صفحۀ ۱۱۶ و محمد<sup>(ص)</sup> در صفحۀ ۱۲۴ است.
- ۶- بررسی قرآن شماره ۷۷ و اکثر قرآن‌های این دوره، حاکی از مشابهت و رابطه‌ای منطقی بین آنها است. به عنوان نمونه این قرآن از نظر کمی شامل تقریباً پنج جزء قرآن است که آغاز آن سورۀ سباء می‌باشد. قرآن شماره ۵۸ نیز که نگارنده کار بررسی و معرفی آن را انجام داده نیز پنج جزء دارد که سورۀ انجام آن سباء است. به عبارت دیگر این قرآن تقریباً ادامه قرآن شماره ۵۸ است. شباهت دیگر در نوع آسیب‌دیدگی این قرآن با قرآن‌های هم‌عصر خود است، یعنی عامل انسانی و رطوبت عامل آسیب این قرآن است. معمولاً کارشناسان نسخ خطی عامل انسانی مانند جنگ و آتش‌سوزی و اهمال و عامل محیطی مانند رطوبت و کپک و جونده‌ها را عامل تخریب و فرسایش و آسیب‌دیدگی این نوع نسخ می‌دانند [۱۲، ص ۲۹۹؛ ۲۷، ص ۱۱۰]. اما خوشبختانه آسیب‌دیدگی این قرآن بسیار اندک است.

#### ۴. ویژگی‌های ترجمه‌ای قرآن شماره ۷۷

##### ۴.۱. دوره‌های ترجمه قرآن

دوره ترجمه و تفسیر فارسی قرآن کریم در ایران به لحاظ شکل و شیوه آن به سه دوره قابل تقسیم است:

دوره نخست از صدر اسلام تا میانه سده پنجم هجری؛ در این دوره ترجمه‌ها تحت‌اللفظی و لغوی است و مترجم بدون آنکه از خود نام ببرد معادل‌های لغوی کلمات قرآنی را مطابق گونه‌ای زبان فارسی که در محل او متداول بود، اغلب به صورت چلیپا و گاهی هم به شکل افقی، کلمه به کلمه در زیر آیه‌ها می‌نوشت. از طرفی ترجمه‌های مذکور در این دوره فاقد پشتوانه تفسیری بود و مترجمان آن‌ها اغلب بر تفسیر قرآن مسلط نبودند و صرفاً واژه‌ها را برگردان می‌کردند به طوری که حتی برای خواننده

فارسی زبان هم مفهوم نبود. در این شیوه که ترجمه تفسیر طبری نیز از همین نوع است، در بسیاری از موارد، خواننده فقط با برابری‌های فارسی واژه‌های قرآن آشنا می‌شود نه با مفهوم واقعی و مراد خداوند که در ورای الفاظ نهفته است و جز با آگاهی از تفسیر و علوم قرآنی حاصل نمی‌شود.

دوره دوم ترجمه که توأم بادیدگاه‌های تفسیری است از میانه سده پنجم آغاز می‌شود و تا پایان قرن یازده ادامه می‌یابد. در این دوره برخی از مترجمان قرآن نقص ترجمه‌های پیشین را دریافته و به ترجمه همراه با تفسیر پرداختند که تفسیر سورآبادی از این نوع است. دوره سوم ترجمه و تفسیر قرآن در ایران، از ابتدای قرن دوازده تا دوره معاصر است. در این دوره آراء تازه و شیوه نوینی در حوزه ترجمه پدید آمد و ترجمه و تفسیر وارد دوره تکاملی خود شد [۳، ص چهار تا شش مقدمه]. تفسیر المیزان علامه طباطبائی تاکنون بهترین و کامل‌ترین نوع از تفسیرهای دوره سوم است.

به نظر می‌رسد یکی از جنبه‌های مهم مصحف شماره ۷۷، ترجمه آن باشد که ویژگی‌های آن با دوره دوم ترجمه‌ها مطابقت دارد؛ هرچند فرهنگ‌نامه قرآنی آن را متعلق به قرن پنجم دانسته اما باید گفت این قرآن متعلق به قرن ششم است، همانطور که در کتاب فهرست نسخ خطی قرآن‌های مترجم نیز این احتمال آمده است زیرا ترجمه این قرآن اغلب حالت تفسیری داشته، نسبتاً روان است و تحت‌اللفظی نیست.

از نظر ظاهری نیز خط این ترجمه نسخ در زیر آیات است و در آن حروف چ، پ و ژ معمولاً بدون نقطه هستند و نام مترجم نیز نامشخص است. مترجم از گذاشتن نقطه‌های برخی حروف خودداری کرده، گ را اغلب به شیوه کتابت عربی به شکل ک نگاشته و به جای حرف پ، ب و درپاره‌ای موارد به جای آن س نوشته است. در این دوره گاهی د نقطه دارد، یای کوچک‌شده که مانند همزه به نظر می‌رسد و امروز بیشتر روی‌های ناملفوظ قرارداد و نمودار نشانه اضافه ye است در آن قابل ملاحظه است. [۱۸، ص ۴۵] در جدول زیر، قرآن شماره ۷۷ با ترجمه قرآن تفسیر طبری [۲، ترجمه آیات مربوطه] و ترجمه تفسیر سورآبادی مقایسه شده است. گفتنی است که ترجمه تفسیر طبری نسبتاً تحت‌اللفظی است حال آنکه ترجمه قرآن شماره ۷۷ و سورآبادی ترجمه‌ای روان و تفسیری است و بنابراین، این دو ترجمه به دوره دوم تفسیر تعلق دارند. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱- تطبیق دوره‌های ترجمه و مطابقت ترجمه قرآن شماره ۷۷ با ترجمه دوره دوم

ش	آیات	ترجمه طبری قرن چهارم	ترجمه قرآن ش ۷۷ بعد از میانه قرن پنجم و ششم	ترجمه تفسیر سورآبادی بعد از میانه قرن پنجم و ششم
۱	وَلَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا لَهُمْ فِيهَا مِنْ شِرْكَ وَ مَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ وَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ . [سبا: ۲۲-۲۳]	و نه اندر زمین و نی است مر ایشان را اندران هردو هیچ انبازی، و نی است مر او را از ایشان هیچ یاری گری. و سود ندارد خواهش نزد وی مگر آن را که دستور دهد او را، تا چون گشاده شود از دل‌های ایشان گویند: چه چیز گفت خداوند شما؟ گویند راست و وی است برتر و بزرگوارتر.	نه اندر زمین و نباشد ایشان را هیچ هنبازی و نباشد او را از ایشان هیچ یاری کننده و نه سود کند شفاعت کردن نزدیک او مکر آن را کی فرماید او را تا چون ببرند ترس از دل‌هاشان گفتند چیست آنک گفت خدای شما گفتند حقیقت و اوست برتر و بزرگتر.	و نه در زمین و قول‌های مفسران در ذره گفته آمد جای دیگر. و سود ندارد خواهش گری نزد او - یعنی در قیامت - مگر آن کس را که دستوری داده بود خدای او را به شفاعت تا آنکه واپنداز دل‌های ایشان بیم و هراس. گفتند چه بود آنچه گفت خدای شما گفتند سز او درست. و اوست برتر از همه چیزها بزرگ و بزرگوار
۲	قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَ إِنْ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ [سباء: ۵۰]	بگوی: اگر من گم کردم گم برتن خویش کردم، و اگر راه راست یابم بدان است که وحی فرستاده به من خداوند من که وحی شنواست و نزدیک است.	بگوی اگر بیراه شدم که می‌بیراه شدم برتن خویش و که راه یافتم بدانچه وحی کرد به من خدای من کاوست شنوا و نزدیک	بگو یا محمد اگر من گمراهم بدرستی که گمراهی من مرازیان دارد و اگر بر راه راستم بدان است که وحی می کند به من خدای من بدرستی که او شنواست گفتار بندگان را نزدیک است به دانایی و گفته‌اند معناه سمیع للدعا قریب، بالاجابة..
۳	أَلَلَّهُ الَّذِي أُنزِلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ مَا الْمِيزَانُ وَ مَا يُدْرِكُ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ	خدای عزوجل آنکه فرو فرستاد کتاب برآستی و ترا زوو چه دانا کرد ترا مگر رستاخیز نزدیک است.	خدای است آنک فرو فرستاد کتاب برآستی و ترا زوو چه دانی تو مگر رستاخیز نزدیک باشد	خدای آنست که که فرو فرستاد قرآن را برای اظهار حق و برای تحقیق وعد وعید. و گفته‌اند این بالحق با

			[شوری: ۱۷]	
زایده است معناه انزل الکتاب الحق و المیزان: و ترازو را و گفته‌اند مراد از این ترازو عقل است تا بدان بسنجند صواب و خطا را و گفته‌اند این میزان عدل است.				
خدای نیکوکار است به بندگان او. لطیف در لغت بر وجه بود: لطیف به معنی رقت و دقت، به معنی قلت تالیفات، نشاید که خدای تعالی لطیف باشد بدین معنی‌ها؛ پس گفته‌اند معناه عالم عباد به بصیر عباده و...	خدای مهربان ببذکان خویش روزی دهد... و اوست بانیرو و بی‌همتا.	خدای عزوجل باریک‌دان است به بندگان خویش روزی دهد انرا که خواهد و اوست با نیرو و بی‌همتا.	أَلَلَّهُ لَطِيفٌ بَعْبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ [شوری: ۱۹]	۴
پاداش بدی بدی باشد مانند آن. سؤال: گیر که جفای ابتدا بد است ان را سیئه خواند، مکافات آن باری نکو است چرا آن راسیئه خواند؟ جواب گفتیم مکافات سیئه راسیئه خواند برسبیل مقابله چنانکه شاعر گوید...	و پاداش بدی بدی باشد مانند آن هر که اندرگذارد و نیکوی کرد مزد او باشد بر خدای او ندارد دوست ستمکاران را.	و پاداش بدی بدی است همچنان و هر که اندر گذارد و نیکی کند مزد او بر خدای است که او نه دوست دارد ستم کاران را.	وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ [شوری: ۴۰]	۵

#### ۲.۴. منطقه جغرافیایی گویش قرآن شماره ۷۷

همانطور که گذشت جهت بهره‌برداری ادبی و دستوری و لهجه‌ای از ترجمه‌های قرآن‌های عصر سلجوقی، باید مکان کتابت و ترجمه هر مصحف مشخص شود. با توجه به اظهار نظر اکثر کارشناسان، در عصر سلجوقی در ایران عمدتاً کار کتابت و ترجمه

درمناطق جغرافیایی سه‌گانه سیستان، ری و خراسان (ماوراءالنهر) انجام می‌شد.<sup>۱</sup> [۶، ص ۴۰؛ ۱۷، ص ۴۴؛ ۱۹، ص ۷۱]

#### ۴.۲.۱. سیستان

حوزه زبانی سیستان، حوزه زبانی خاصی است و ترجمه و تفسیر قرآن قدس متعلق به آن است [۲۰، ص ۳]. معمولاً نثر ترجمه‌ها و گویش‌های سیستانی، مرسل<sup>۲</sup> است. از طرفی بعضی کلمات این گویش ناشناخته، متروک و غریب است، یعنی درمتن‌ها و فرهنگ‌ها هم اثری از آن نیست [همانجا]. لهجه این منطقه واسطه میان دری و پهلوی است. [۱۹، ص ۷۱؛ ۲۰، ص ۸] تعلق قرآن شماره ۷۷ به حوزه زبانی سیستان منتفی است زیرا ویژگی‌های ترجمه‌ای آن با ویژگی‌های این حوزه شباهت ندارد.

#### ۴.۲.۲. ری

منطقه شهری درمرکز و غرب ایران نیز از مراکز کتابت قرآن بود طوری که تعداد دیگری از قرآن‌های این دوره، در آنجا کتابت شده‌اند. قرآن شماره ۶۶۱ ری، نمونه مسلم این گویش و حوزه از ترجمه و کتابت است. اما طبق شواهد و ادله، به نظر می‌رسد لهجه و گویش ترجمه قرآن شماره ۷۷ با واژگان منطقه ری نیز تناسب و هم‌خوانی ندارد.

#### ۴.۲.۳. خراسان

حوزه ترجمه خراسان (ماوراءالنهر) نسبت به دو حوزه دیگر امتیازهای خاصی داشت و در قرن پنجم، کانون اصلی کتابت و ترجمه بود. «بیشتر قرآن‌ها در قرن پنجم در خراسان کتابت می‌شد، جایی که بزرگ‌ترین مکتب‌های تذهیب و خوشنویسی در آن قرار داشت [به طوری که در آن زمان] دو شهر دامغان و نیشابور از مراکز فن خوشنویسی و تذهیب بودند.» [۶، ص ۴۰] نمونه بارز این ترجمه، [ترجمه آیات قرآن] در تفسیر سورآبادی است. با مقایسه قرآن شماره ۷۷ با این تفسیر و قرآن ۶۶۱ ری، شباهت نسبتاً زیاد ترجمه این قرآن به ترجمه حوزه خراسان آشکار می‌شود. [۱۵، ص ۲۰۲۲-۲۳۳۷؛ ۲۵، ذیل کلمات مربوطه] (جدول شماره ۲)

۱. البته برخی، حوزه زبانی خراسان جنوبی را سیستان - کرمان نامیده‌اند. [نک: ۱۷]

۲. نثر مرسل، اولین نثر ادب فارسی است که از قرن سوم تا ششم رایج بود. این نثر، ساده‌ترین نثر است که در آن جمله‌ها کوتاه، آرایه‌های ادبی بسیار کم و فاقد لغات دشوار است.

واژه عربی	معادل فارسی واژگان قرآن شماره ۷۷	واژگان تفسیر سوره‌آبادی خراسان	واژگان قرآن ش ۶۶۱ ری
انقوا [زمر: ۱۰].	بترسیدند	بترسیدند	بپرخیزید
اجتنبوا [زمر: ۱۷].	بپرهیزند	بپرهیزند	بپرخیزید
لعل [فصلت: ۲۶].	تا مکر	تا مکر	بوک=فعل بو+ک
دواب [فاطر: ۲۸].	ستوران	جنبندگان ستوران	جمندگان
قائم [فصلت: ۵۰].	بیای ایستاد	قیام	ورپای <sup>۱</sup>
فوق [فصلت: ۱۰].	زبر	زبر	زور
آثار [صافات: ۷۰].	نشانی‌ها	نشان‌ها-پی	پینشان
رواکد [شوری: ۳۳].	ایستاد	ایستاده	ایستیده
معاجزین [سبأ: ۳۸].	عاجزکنندگان	عاجزبابندگان	توانندگریختن
تبارک [زخرف: ۸۵].	با برکت	با برکت	بزرگا
تولیتیم [محمد: ۲۲].	برگردید	برگردید	ورگردید

با توجه به نکته‌هایی که از ترجمه لغت‌ها و خصوصیات دستوری لهجه منطقه ری و سیستان گفته شد و با مقایسه ترجمه لغات و خصوصیات قرآن شماره ۷۷ با آن‌ها، تفاوت نسبی این دو محرز و شباهت نسبی آن با ترجمه لغات و خصوصیات تفسیر سوره‌آبادی که متعلق به خراسان است هویدا می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

قرآن شماره ۷۷ موجود در آستان قدس شامل چهارده سوره قرآن از آیه ۲۲ سبأ تا آخر سوره محمد<sup>(ص)</sup> است که این مقدار نیز گاه افتادگی‌هایی دارد که در متن به آن اشاره شد و سعی شد تا ترتیب آن براساس ترتیب واقعی قرآن اصلاح شود.

ویژگی‌های قرآن‌آرایی گوناگون این قرآن، آن را به اواخر عصر سلجوقی مربوط می‌نماید. به عنوان نمونه از نظر نوع کاغذ، دولت‌آبادی است. چون این نوع کاغذ اغلب برای استنساخ قرآن استفاده می‌شده است. کاغذ دولت‌آبادی طبق نظر کارشناسان نسخ خطی، احتمالاً کاغذی است که در دولت‌آباد ری یا سمرقند تولید می‌شد. جلد این مصحف نیز مربوط به عصر سلجوقی است زیرا این جلد با ترنج و سر ترنج ایجاد شده به شیوه ضربی تزئین شده است و جنس آن نیز تیماج است و این ویژگی‌هایی است که با جلد قرآن‌های عصر سلجوقی مطابقت دارد. اعراب و نقطه‌گذاری کلمات نیز به خطوطی

۱. در لهجه ری و قصران کلمه ور به معنی طرف، سو، پهلو و کنار است. [نک: ۳۰، ج ۲، ص ۱۰۱۹]



مثل نسخ شباهت دارد. در نگارش آیات این قرآن نیز از مرکب سیاه و در نگارش حرکات و نقاط حروف از رنگ‌های مختلف گیاهی و غیر آن همچون شنگرف استفاده شده است. همچنین نگارش سرسوره‌ها نیز به قلم زر محرر به خط کوفی است. در تذهیب سرسوره‌های آن از زر و نشان قندیل سروی استفاده شده و دارای خمسه در حاشیه است. برخی صفحه‌ها نشانه‌های شش‌پر ساده دارد که این ویژگی‌ها در تذهیب قرن پنجم و عصر سلجوقی وجود داشته است و معمولاً برای نشان جزء، خمس و عشر آیات به کار می‌رفته است. وجود علامت خاص جهت نشان سجده، همچنین علامت مخصوص جزء در ابتدای هر جزء و همچنین نوع آسیب‌دیدگی قرآن شماره ۷۷ که مشابه آسیب‌دیدگی‌های سایر قرآن‌های عصر سلجوقی است، حاکی از تعلق آن به این دوره می‌باشد. از طرفی اکثر مصاحف شریفه عصر سلجوقی در ابعاد وزیری است و این نکته تعلق قرآن شماره ۷۷ را به این عصر تقویت می‌کند. ویژگی محتوایی شیوه ضبط حروف و کلمات و تحولات موجود در ترجمه که با مقایسه با ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سورآبادی حاصل می‌شود نیز مؤید تعلق این ترجمه و قرآن به دوره دوم ترجمه و تفسیر، یعنی بعد از اواسط قرن پنجم هجری است زیرا ترجمه واژگان، اغلب روان است و حالت تفسیرگونه دارد.

## منابع

- [۱]. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- [۲]. ۴، (۱۳۵۶ ش). ترجمه تفسیر طبری. تصحیح حبیب یغمایی، تهران، انتشارات توس.
- [۳]. اسفراینی، شاهفور ابن طاهر (۱۳۷۵ ش). *تاج‌النراجم*. تصحیح نجیب مایل هروی و علی‌اکبر الهی خراسانی، تهران، علمی فرهنگی.
- [۴]. آقاجان پور، بهمن (۱۳۹۳ ش). *جلدسازی اسلامی*. ساری، روش روشن.
- [۵]. احمدی، مسعود (۱۳۸۷ ش). *تاریخچه کاغذ، سندج، نشر مسعود*.
- [۶]. بهرامی، مهدی؛ بیانی، مهدی (۱۳۲۸ ش). *راهنمای گنجینه قرآن*. تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.
- [۷]. بینش، تقی (۱۳۵۵ ش). *فرهنگ لغات قرآن شماره ۶۶۱*. مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- [۸]. خبازیان، حسین (۱۳۹۰ ش). «معرفی جزوه ۴۶۵۰ محرر...». *گنج‌نامه رضوی*، سال اول، دفتر اول، پاییز.
- [۹]. خسروانی، سید محمود و گروه فرهنگ و ادب اسلامی، زیر نظر دکتر یاحقی (۱۳۷۶ ش). *فرهنگ‌نامه قرآنی*. مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

- [۱۰]. رجایی بخارائی، احمدعلی (۱۳۶۳ ش). *فرهنگ لغات قرآن*. تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- [۱۱]. رستمی، مصطفی (۱۳۹۲ ش). *جلدسازی ایرانیان*. تهران، شرکت چاپ نشر شاد رنگ.
- [۱۲]. رهیمه، غلامرضا (۱۳۹۳ ش). *خوشنویسی و کتاب‌آرایی در ایران*. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- [۱۳]. رهنورد، زهرا (۱۳۸۶ ش). *کتاب‌آرایی*. تهران، سمت.
- [۱۴]. سجادی، ضیاءالدین (۱۳۵۵ ش). *بحث‌های لغوی و دستوری*. فرهنگ لغات قرآن، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- [۱۵]. سوراآبادی (عتیق نیشابوری)، ابوبکر (۱۳۸۱ ش). *تفسیر سوراآبادی*. تصحیح سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو.
- [۱۶]. شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۶ ش). *دیباچه‌ای بر هنر ایرانی اسلامی*. تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- [۱۷]. شریعت، محمدجواد؛ خامسی هامانه، فخرالسادات (۱۳۸۹ ش). «ترجمه‌های کهن: گنجواژه‌های زبان فارسی با نگاهی به تفسیر قرآن مجید معروف به تفسیر کمبریج». صحیفه مبین، ۴۸، پاییز و زمستان.
- [۱۸]. شیروانی، کبرا (۱۳۵۳ ش). *بررسی املائی دست‌نویسی از تفسیر سوراآبادی*، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان ایران.
- [۱۹]. صادقی، محسن؛ راشد محصل، محمدتقی (۱۳۹۰ ش). «نمونه‌های واژه‌های «قرآن قدس» در گویش‌های خراسان جنوبی». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، دانشگاه فردوسی مشهد، بهار.
- [۲۰]. صلاحی مقدم، سهیلا (۱۳۹۲ ش). «بررسی دو ترجمه آغازین با دو گویش». *پژوهش‌های ادبی قرآنی*.
- [۲۱]. عظیمی، حبیب‌الله، (۱۳۸۹ ش). *اصول و مبانی نسخه‌شناسی*، تهران، سازمان کتابخانه ملی.
- [۲۲]. غلامی مقدم، برات علی (۱۳۹۰ ش). «ویژگی جلد‌های نسخ ...». *گنج‌نامه رضوی*، سال اول، دفتر اول، پاییز.
- [۲۳]. فضائی، حبیب‌الله (۱۳۶۲ ش). *اطلس خط*. اصفهان، مشعل.
- [۲۴]. فاضل نیشابوری فضل‌الله (۱۳۹۰ ش). «سیر تحول خط در دوره سلجوقی ...». *گنج‌نامه رضوی*، سال اول، دفتر اول، پاییز.
- [۲۵]. فاضل هاشمی، سید محمدرضا (۱۳۹۰ ش). «معرفی مصحف راوندی». *گنج‌نامه رضوی*، سال اول، دفتر اول.
- [۲۶]. فریدونی، حسنعلی (۱۳۹۰ ش). «معرفی قرآن نفیس شماره ۱۷۷۱ از گنجینه مصاحف خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی». *گنج‌نامه رضوی*، سال اول، دفتر اول، پاییز.
- [۲۷]. فریدونی حسنعلی؛ عمادی، مرجان (۱۳۹۳ ش). «عناصر فهرست‌نویسی در...». *ماهنامه کتابچه*، تیر.

- [۲۸]. فرهمند نژاد، جواد (۱۳۹۰ ش). «معرفی برخی نفاث قرآنی ...». گنج‌نامه رضوی، سال اول، دفتر اول، پاییز.
- [۲۹]. فکرت، محمد آصف (۱۳۶۳ ش). فهرست نسخ خطی. مشهد.
- [۳۰]. کریمان، حسین (۱۳۵۴ ش). ری باستان. تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- [۳۱]. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۶ ش). قصران کوهساران. تهران، انجمن آثار ملی.
- [۳۲]. گلچین معانی، احمد (۱۳۴۷ ش). راهنمای گنجینه قرآن. مشهد، کتابخانه‌های آستان قدس رضوی.
- [۳۳]. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۵ ش). مشخصات قرآن ش ۶۶۱ فرهنگ لغات قرآن، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- [۳۴]. مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲ ش). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- [۳۵]. معین، محمد (۱۳۶۳ ش). فرهنگ لغت فارسی. تهران.
- [۳۶]. نوری نیا، محمدحسن (۱۳۹۰ ش). «معرفی قرآن ... شماره ۶۶۱ آستان قدس رضوی». فصل‌نامه گنج‌نامه رضوی، سال اول، دفتر اول، پاییز.
- [۳۷]. وفادار مرادی، محمد، «شناخت کاغذ عصر سلجوقی». گنج‌نامه رضوی، سال اول، دفتر اول، پاییز.
- [۳۸]. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۳ ش). فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، نشر معارف.
- [۳۹]. هالدین، دانکن (۱۳۶۶ ش). صحافی و جلدسازی. ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، سروش.



